

بسم الله الرحمن الرحيم

فولکلور حقوقی



بخش اول

تعریف و مشخصات

مقدمه

کلمه « فولکلور »^۱ نزدیک به یک قرن و نیم قبل ، بزبان انگلیسی برای بیان مفهوم « دانش عامه مردم » برگزیده شد . « فولک » به معنی « عامه مردم » و « لور » به معنی « دانش » است .^۲ در آغاز از این لفظ ، « سنت ها و مفاهیم واپس مانده » را در می یافتند و به زندگی زمان گذشته و ادامه آن در زمان حال ، نظر داشتند . اما به مرور « فولکلور » معنی دومی به خود گرفت و دامنه ای وسیعتر یافت و در برگیرنده کلیه اسوری گردید

1 - Folklore

۲. نگاه کنید به مقاله : « فولکلور را چگونه باید فهمید ؟ » فصل نامه هنر شماره

که جزء زندگانی عامه مردم به حساب می‌آیند. از جمله این امور فرهنگ غیررسمی مردم، یعنی فرهنگی است که با مجموع تحولات پیش نمی‌رود و یا در برخی مواقع، به دلائل سیاسی اجتماعی و یا دلائل مذهبی و عقیدتی انقلابی (و یا ضد آن) خارج از حدود و ثغور فرهنگ رسمی قرار می‌گیرد. در این فرهنگ آداب و رسوم و حرکات و اطوار گوناگون آن و حالات روحی و اخلاقی و اجتماعی گروه‌هایی که در یکی از دو وضع و موقع مذکور در بالا قرار دارند - یعنی یا از جریان تحول بازپس مانده و یا آگاهانه از آن کناره گرفته، و یا ستیزه جویانه با آن برخورد کرده‌اند - منظور میشوند. « فولکلور » هم به معنی مجموعه این امور و هم به مفهوم مطالعه علمی آنهاست.

با توجه به این معنی موسع است که میتوان از « فولکلور حقوقی » سخن گفت، و آن را بطور کلی بدینگونه تعریف کرد:

فولکلور حقوقی، مجموعه وضعیت‌های حقوقی و نیز بررسی و مطالعه وضعیت‌هایی است که در زمان گذشته در یک قوم یا گروه‌های مختلف این قوم وجود داشته‌اند و در حال حاضر نیز - بهر دلیل - بصورت عرف نزد عامه مردم به زندگی خود ادامه می‌دهند. این مجموعه و بررسی و مطالعه آن به دسته‌ای از وضعیت‌های حقوقی و اوامر و نواهی آن نیز توجه دارد که از جریان رسمی حقوقی در زمان معین - به دلائل سیاسی، اجتماعی یا مذهبی و عقیدتی و یا همه اینها با هم - کناره می‌گیرند. در عین حال باید به این نکته مهم عنایت داشت که وضعیت‌های منزوی، ولو دارای احکام و دستورهای نظام یافته باشند، نظر به اینکه اجازه بیان رسمی نداشته‌اند یا ندارند در معرض دخل و تصرف‌های عامیانه قرار می‌گیرند.

در این تعریف باید دو عنصر اساسی: زندگانی عامه و قانون یا حقوق عامه مردم را که سازنده « فولکلور حقوقی » هستند، بررسی کرد

۱. زندگانی عامه

در «فولکلور» به مطالعه تطبیقی سنتها و قواعد و قوانین آن نزد اقوام مختلف و دقیقتر بگوئیم عامه مردم میپردازند. همانطور که در بالا اشارت کردیم فولکلور، دربرگیرنده همه زمینه‌های سنتی و فرهنگ مادی و معنوی این عامه میشود. سنتها و فرهنگها، از طریق گفتار و کردار، خارج از صحن مدرسه و بطور کلی بیرون از عرصه مؤسسه‌های رسمی شایع میگردد و منتقل میشود و به همین منوال نیز استقرار مییابد. کلیه اطلاعات و آگاهیها و فنون عامه از همین طریق که جنبه عملی، مستمر و مداوم دارد به کرسی می‌نشینند و از همین راه - یعنی از طرق شفاهی و تقریری تعلیم داده میشوند. لازمه استقرار اطلاعات و فنونی از اینگونه، وجود ذوق و روحیه‌ای است که ذوق و روحیه عامه مردم خوانده میشود. این ذوق نیز مربوط به محیطی است که یک قوم و یا گروهی از آنها در عرصه آن بایکدیگر روزگار می‌گذرانند.

باری این مجموعه سنتها و قرارومدارها و آگاهیها و فنون و ... با مفهوم عرف عامه، گزارش میشود. در این مفهوم که از زندگانی عامه سر برمیآورد عناصر زیر وجود دارد:

۱-۱. دیرینگی - عرف یا به عبارت دیگر عادات مشترکی که جنبه

سنتی دارند، از ازمینه قدیم پابرجامانده و دامن کشان خود را به زمان حاضر رسانده‌اند. عادات، جزء امور اجتماعی به حساب می‌آیند و چون جوامع در ضمن تغییر و تبدیل ادامه می‌یابند، در نتیجه عادات در یک گروه اجتماعی در بردارنده امور سنتی و نوآوریهاست. پس به لحاظ جامعه‌شناسی در عادات دو قسم عادات دیرینه و عادات نو را باید از یکدیگر متمایز ساخت و عادات دیرینه را در برابر «مد» که عادات نو است قرار داد.

گفتیم که عرف، همان عادت دیرینه است، بنابراین عرف امری دیرینه

و باستانی میشود. به یمن استمرار و ادامه، ادا و اطوار گوناگون پای میگیرند و محفوظ می‌ماند، از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود و از عصری به عصر دیگر تکرار می‌پذیرد. بدینسان عرف اطاعت از آوای نیاگان و گردن نهادن به خواست آنان میشود. به همین دلیل نیز عرف را در درجه اول خانواده و تربیت درونی زنده نگه میدارد و پدران و مادرانند که آنها را به فرزندان خویش منتقل می‌سازند. از این رو به لحاظ جستجو و جای‌یابی عرف، در مرحله اول باید به نظم خانوادگی توجه کرد و عرف را با نظم «درون خانواده» مرتبط دانست.

۱-۲. ضمانت‌اجراء - عرف باید دارای ضمانت، اجراء باشد. مقصود اینست که عرف همواره با نوعی الزام و تکلیف همراه است و دست کم واجد مضمون، «گردن نهادن به...» میباشد. وجه مشخص دیگر عرف در نزد عاملان بدان این فکر یا توهم است که: عرف مورد نظر چیز خوبی است، گران سنگی نیروی گذشته را دارد و یادگار عهد کهن است بنابراین باید مورد اطاعت و پیروی قرار گیرد و حفظ گردد و چون بدین ترتیب عرف حاوی فائدت و ضرورت است، بنابراین باید برای به کرسی نشاندنش ضمانت اجراء وارد میدان شود.

به ضمانت اجراء عرفی، اصولاً، در قانون اساسی یا قوانین عادی اشارت نمیشود. زیرا قوانین در معنائی که مورد نظر حقوق‌دانان است، باید و نبایدهائی هستند که یک نیروی سازمان یافته مصوب آنها و مجری آنهاست. اما در گروههای انسانی احکام دیگری نیز وجود دارند که نتیجه کار نیروهای سازمان‌نایافته‌اند. این قواعد را افکار عمومی مقرر میدارند و ضامن اجراء آنها نیز هستند. رضایت عمومی یک هیأت اجتماع اساس و مبنای آنها را تشکیل میدهد و پس از شیوع، دیگران نیز بدان ملحق میشوند. بدینسان در می‌یابیم که: اعلان یا اعلام و ابلاغ در کار پایه‌گذاری

این قواعد دستی ندارند و نیز دارای مصنف و مدون مشخص و با نام و نشانی نمی‌باشند و تبعیت از آنها بدون آگاهی به منشاء صدور آنها صورت می‌گیرد از جمله این گونه قواعد میتوان به بخشی از اصول و قواعد و مجموعه شیوه‌های رفتار مربوط به آداب معاشرت و داوریه‌های عامه در خصوص ادب و حسن اخلاق اشارت کرد. این قواعد را افکار عمومی تحمیل و یا پیشنهاد مینماید.

اکنون باید دید که ضمانت اجرای مورد بحث از چه سنخی است؟ اصولاً این ضمانت اجراء از زمره احکام اخلاقی است و جزء احکام حقوقی به حساب نمی‌آید. تخلف از عرف - درین معنی - و بنابراین ضامن اجرای آن را میتوان به چهار نوع تقسیم کرد: گناه - جرم - تقصیر - قصور یا انحراف.

۱-۲-۱. گناه، با کفاره مجازات میشود. حتی هنگامیکه تخلف در نزد قومی صورت گرفته باشد که یکی از ادیان آسمانی متدین نیست و یا متخلف از کسانی باشد که از محیط اصیل مذهبی بدور افتاده و بی‌آنکه یکسره از این محیط بریده باشد به احکام دینی دقیقاً آگاه نیست، بازهم ضمانت اجرای گناه جنبه‌ای ساوراء جنبه‌های معمولی دارد.

۱-۲-۲. جرم، با مجازاتی که مبنای قانونی دارد کیفر داده میشود. در این مقام، ضمانت اجراء، بواقع، به معنی کامل کلمه حیث حقوقی دارد. اعمال کیفر نیازمند دخالت قدرت سازمان یافته و مستقر میباشد و مستلزم تحقق اصل «قانونی بودن» است یعنی تخلف در صورتی جرم تلقی میشود که قبلاً قانونگذار آن را جرم دانسته و برایش مجازات معین کرده باشد. در نتیجه، قانون و قدرت الزامی آن است که مجازات می‌کند و یا امر به جبران مافات می‌نماید.

۱-۲-۳. تقصیر، تقصیر امری است که از طریق سرزنش مجازات

میشود. این ضمانت اجراء به خلاف ضمانت اجرای پیشین جنبه اخلاقی دارد، بعبارت دیگر قضاوت افکار عمومی و نكوهش و تحقیر عامه مردم عهده‌دار کیفرند. جنجال و «رسوائی و افتضاح» موجب خدشه‌دار شدن شهرت کسی میشود که قاعده مورد نظر را نقض کرده است و این ماجرا بی‌اعتباری و بی‌آبرویی ناقض سنتها را در پی می‌آورد، و گاه نیز کار به مرحله‌ای میرسد که متهم در معرض آزار و شکنجه قرار می‌گیرد. و یا «انبوه خلق» بدنبال نقض قاعده آن چنان از حالت عادی خارج میشود که ناقض قاعده را اعدام می‌کند. در این حالت، جوش و خروش و هیجان و سختگیری «انبوه خلق» عنوان «عدالت عامه» به خود می‌گیرد.

۱-۲-۴. انحراف مختصر از اصول و یا قصور و اشتباه ساده، در مورد اجرای قواعدی نظیر آداب معاشرت موجب خفت و خواری مرتکب میشود. انحراف‌هایی از اینگونه، راه را بر مسخره کردن افراد هموار می‌سازد و دست‌آویز انتقاد یا هجو میشود. نامرتب بودن سرو وضع، ناشایست بودن رفتار، بی‌مبالاتی و بی‌دقتی در کارها، بی‌ادبی، کارهای غریب کردن و خل‌بازی، و... اعتراض جمع و هیأت اجتماع را برمی‌انگیزند. هدف اعتراض، اصولاً تصحیح رفتار نقض‌کننده آداب و رسوم است و از راه لبخند و تبسم، یا خنده و متلک و هو کردن و ارسال یادداشت و هجو و آزار و دست انداختن و مسخره و شکاک درآوردن و نقاشی و کاریکاتورسازی و... به منصفه ظهور و بروز میرسد. گفتار و کردار اعتراض آمیز، گاه فردی و زمانی جمعی است. گاه شاهد خبط و خطا، در ضمن عبور به ماجرا برمی‌خورد و اعتراض می‌کند و زمانی هم گروه سازمان یافته عکس‌العمل نشان میدهد و یا گروه سازمان نایافته (ازدحام مردم) دست به هو و جنجال می‌زند.

۱-۳. قلمرو معین - عسرف، در یک قلمرو معین و مشخص :

روستاها ، اطراف شهرها ، درون شهرها ، در محیط خاص ، شکل میگیرد و مطاع و متبع است . در درون شهرها ، محیطهای گوناگون وجود دارد و در هر یک از این محیطها قواعد و مقرراتی هست که با قواعد و مقررات گروههای دیگر در محیطهای دیگر کم و بیش متفاوت است . در یک گروه نیز قرار و مدارها و سنتهای کهنه ، در مقابل قرار و مدارهای نو ، عرف تلقی میشود . محیط روستاها و حومه شهرها بیشتر از محیطهای شهری حافظ عرف اند

۴- ۱ . شیوه رفتار، یا هنجار و بعبارت دیگر ادا و اطوار و سلوک ، یکی دیگر از عناصری است که در عرف باید بدان توجه داشت . عرف هر محیط با شیوه رفتار و سلوک و وابستگان آن محیط مشخص میشود : شیوه سخن گفتن ، طرز بیان مافی الضمیر ، چگونگی خانه آراستن ، لباس پوشیدن و غذا خوردن و نیز مسائل معنوی که در ذوق و سلیقه و توجه به برخی مسائل و روگرداندن از برخی دیگر و یا بی اعتنا بودن به آنها ظهور و بروز می یابد ، ظرافت یا خشونت رفتار ، چگونگی تفریح و ورزش ، شرکت در مراسم گوناگون و انتخاب برخی و وانهادن برخی دیگر در محیطهای مختلف، متفاوت است .

۲ . قانون یا حقوق عامه مردم

هنگامی که زندگی عامه و محیطهای گوناگون با شیوههای رفتار متفاوت وجود داشت قانون عامه ، عرض وجود می کند . این قانون ، همان قاعده و قرار زندگی عامه است . قواعد و مقرراتی از اینگونه که عنوان قانون یا حقوق به خود میگیرند از حقوق و قانون رسمی مجزا میباشند . البته قسمتی از عرف عامه در « عرف » مورد توجه حقوق رسمی ، جای میگیرد و جزئی از آن کل محسوب میشود . در عین حال باید به این نکته اساسی

نیز عنایت داشت که وقتی حقوق نظام یافته و رسمی یک جامعه در اثر یک تحول اساسی دگرگون میشود و یکسره با طرز زندگی قبلی قطع رابطه می‌کند، حقوق رسمی پیشین نیز از قدرت می‌افتد و آثار و نشانه‌هایی از آن، اینجا و آنجا، در محیط‌ها و وضعیت‌های خاص باقی میماند.

بطور خلاصه حقوق عامه مردم دارای سه مهر و نشان ویژه خویش است: این حقوق: شفاهی است، محلی است، اختصاصی است.

۲-۱. حقوق عامه مردم یا عرف حقوقی عامه، شفاهی است، نه مکتوب.

این حقوق با گفتار ایجاد و به همین وسیله نیز منتقل میشود. بنابراین حقوقی است که انشاء بدون و کتبی و مبتنی بر انتشار قانونی ندارد. گفتار یا بیان موزون، هجویه‌ها، ضرب‌المثلها و... و نظایر اینها آن را تدوین، اعلام، تعلیم و منتقل مینمایند.

تعلیم این حقوق در منازل (پدران و فرزندان) بازارها و قهوه‌خانه و پاتوق‌ها و بطور کلی مجامع عمومی، صورت میگیرد، نه در مدارس رسمی و دادگاهها. بنابراین حقوق عامه مردم، جزئی از «میراث سمعی» یک قوم یا محیط محسوب میشود و از جمله استادان آن باید از نقالان و قصه‌گویان یاد کرد.

همانسان که بر اثر پای عابران، در جایی که راه نیست، به مرور راهی باریک پدید میآید، همانطور نیز با تکرار، حقوق عامه بوجود میآید. یک فرد نیز میتواند به شرط آنکه جمع را به یاری طلبد، موجد عرف گردد. سخنوری شورانگیز میتواند احساسات یک جمع را در موردی خاص برانگیزاند و موجب پدید آمدن عکس‌العملی شود که پس از آن در نتیجه تکرار و بیان مکرر آن (بازگو کردن ماجرا) تثبیت گردد و تعلیم داده شود و انتقال یابد. تغییر شکل حقوق عامه مردم نیز از طریق زبان محاوره صورت میگیرد و چنانچه از بیان و گزارش آن صرف‌نظر شود از میان میرود.

۲-۲. حقوق عامه مردم محلی است و قلمروی محدود دارد - نظر به اینکه حقوق عامه ، جنبه شفاهی دارد ، عملاً وجهه ناحیه‌ای و محلی به خود می‌گیرد . معمولاً همانطور که نباید از فولکلور کشوری سخن گفت ، نباید به حقوق عامه کشوری نیز اندیشید . هر یک از مجموعه سنتها و آداب و رسوم و قواعد و مقررات در قلمروی معین محاط است . حدود این قلمرو را دامنه انتقال قاعده در زبان محاوره مشخص می‌سازد پس حقوق عامه ، ناگزیر ، حقوق عرفی یک ناحیه و در حد اعلی ، حقوق عرفی یک «مملکت» به معنی قدیم این کلمه خواهد بود . حفظ حقوق عرفی عامه ، از طریق لهجه محلی صورت می‌گیرد و این خود گزارشگر تنوع و عدم مشابهت یا عدم مطابقت نواحی مختلف است . بنابراین ، حقوق عامه مردم ، حقوق تنوع است نه حقوق وحدت و ولایتی یا در حد اعلی ایالتی است ، نه کشوری و به بیان دیگر ، حقوق خرد در دل حقوق کلان و در معنی دیگر حقوق غیر رسمی است . این معنی اخیر یا این خصوصیت ما را به نشانه سوم رهبری می‌کند .

۲-۳. حقوق عامه مردم ، جنبه اختصاصی دارد - مقصود از اختصاصی بودن این حقوق ، خصوصی بودن آن در تقابل با حقوق عمومی نیست . اختصاصی است ، یعنی جنبه آشکار و مشترک و عام یا عمومی ندارد . بنابراین بدون آنکه از طریق انتشار رسمیت یافته باشد از آن پیروی میشود . حقوق عامه ، رسمی نیست ، چون در زمان مورد نظر ، اثر قانونگذار نیست و واجد ابتکار حکومت نمی‌باشد ، از افکار عمومی سرچشمه می‌گیرد و در حاشیه مجموعه‌های قوانین لازم‌الاجرای وقت و در جنب آنها سرعی است . گاه نیز غیر مشروع است ، یعنی بر ضد مجموعه قوانین حکومتی یا مذهبی گام برمی‌دارد و در اینحال نه تنها به معنی بالا خصوصی و اختصاصی است ، بلکه سری و مخفی نیز میباشد .

با توجه به این سه مهر و نشان ، حقوق عامه بعنوان حقوق غیررسمی از حقوق رسمی متمایز میشود . لکن این دو حقوق بدلیل آنکه در جامعه مورد اعمال و اجراییند با یکدیگر روابطی دارند و این روابط مختلف و متغیرند . گاه این دو حقوق با یکدیگر موافق می‌افتند و یکی میشوند و در این حال حقوق رسمی ، حقوق عرفی را امضاء می‌کند . گاه نیز حقوق رسمی از کنار آن دیگری بی‌اعتناء گذر می‌کند و زمانی هم که نظم عمومی یا مصالح عقیدتی ایجاب نماید با آن از در تقابل و تعارض در می‌آید . اکنون به بررسی کوتاه این روابط می‌پردازیم .

۳. روابط حقوق عامه و حقوق رسمی

حقوق رسمی ، یک حقوق عام ، آشکار و مسلم است و بر اساس قاعده « هیچکس جاهل به قانون تلقی نمیشود » و « جاهل به قانون رافع مسئولیت نیست » عمل می‌کند . اما حقوق عامه مردم ، جنبه اختصاصی دارد و نه تنها آشکار نیست ، بلکه گهگاه نیز چون با حقوق رسمی در ستیز و تعارض است ، مخفی و سری است . با توجه به نکاتی که گذشت برخورد قوای آمره و حاکمه کشور - که واضعان و سبجریان حقوق رسمی هستند - با حقوق عامه به یکی از چهار صورت بی‌اعتنائی کامل ، طرد ، تساهل ، تصدیق و امضاء است .

۱-۳. بی‌اعتنائی کامل نسبت به حقوق عامه یا تجاهل - حقوق عامه ممکن است بکلی مورد بی‌اعتنائی و یا تجاهل قرار گیرد . در این حال قدرت حاکم تمیذاند و یا نمی‌خواهد بداند که در وراء یا در جنب حقوق رسمی اعلان شده توسط وی ، حقوق دیگری نیز وجود دارد . غرور قانونگذار و یا بی‌اعتنائی ویرا مفسران قانون تشویق و تأیید می‌کنند ، یعنی در مباحث خود به وجود این مقررات اشاره نمی‌نمایند و عامه مردم را به خودشان

واگذار می نمایند . در نتیجه گهگاه ، قسمتی از دعاوی عامه به موجب عرفهائی حل و فصل میشوند که ابهام و ابتدالی نفرت انگیز دارند و شرعاً و قانوناً مورد نفی و طرد میباشند .

گاه نیز این عرفها محلی اند . در سرزمین مستعمره ، که استعمار به آنها نظر مساعد ندارد ، بخشی از بی اعتنائی و تحقیر آگاهانه است و غرض آن است که با سکوت کامل در باره آن ، حقوق عامه مورد بحث از میان برود . در واقع گفته میشود که چون دولت تنها عامل ایجاد حقوق است ، بنابراین بقیه حقوقها حق وجود ندارند و شایسته آن نیستند که حتی نامشان برده شود . البته این راه حل نه در خصوص عرفهای مبتذل و نه در مورد عرفهائی که با استعمار می ستیزند ، همواره نتیجه بخش نبوده است .

۲-۳ . طرد حقوق عامه - در برخی دیگر از موارد به علت پوینده بودن حقوق عرفی و ستیزندگی آن ، قانونگذار نمی تواند آن را نادیده بینگارد و بنابراین به نفی و طرد صریح آن دست می یازد . استعمار با قسمت اعظم نزدیک به تمامی حقوق کشور زیر سلطه خود - معمولاً - بدینگونه برخورد میکند در اینجا ، آنچه بوقوع می پیوندد ، تعارض میان دو نظام حقوقی است که یکی از این دو - پیش و کم به ناحق - عنوان حقوق عرفی یا حقوق عامه مردم به خود گرفته است که در بحث فرهنگ زدگی حقوقی و فرهنگ زدائی حقوقی ، به این تعارض باید توجه داشت .^۳

همچنین تعارض میان حقوق عامه و حقوق رسمی ممکن است مسأله نظم

عمومی یا « ترقی و تعالی عموم شهروندان » و یا اخلاق حسنه و یا منافع عمومی و کلی مردم را مطرح کند . قدرت آمر و حاکم سیکوشد -

۳ . نگاه کنید به مقدمه کتاب مبانی جامعه شناسی حقوقی (ترجمه حسن حبیبی) چاپ دوم ، ص . سیزده ، فرهنگ زدگی حقوقی .

و در برخی از موارد نیز موفق نمیشود - که حقوق عامه را از میدان بدر کند و به اجرای آن خاتمه دهد . گهگاه کشاکش بدرازا می‌انجامد . فی‌المثل مدتهای مدید قانونگذاران کشورهای مختلف بر پایه فکر آسایش مردم با رسم « آواز کوچه باغی » مبارزه کرده‌اند تا توانسته‌اند آن را بعنوان جار و جنجال شبانه مورد مجازات قرار دهند . « هیاهو و جنجال و یا حرکات پر خلاف عادت و غیرمتعارف و یا تعرض به اشخاص که موجب اختلال نظم و آرامش و آسایش عمومی میشود و یا اعمال و رفتاری که ایجاد هراس و تشویش در افکار عمومی می‌کند و یا مردم را از کسب و کار باز میدارد و یا آزادی و آسایش عمومی را مختل میسازد . » و نیز قدرت‌نمایی توسط چاقو از این قبیل مواردند .^۴ همچنین انبار قوانینی که « بلااجراء » میمانند نشان دهندهٔ تعارض میان عرف عامه و قوانینی هستند که قانونگذار وضع مینماید .

۳-۳ - تساهل . در برخی از موارد نیز حقوق عامه مورد تساهل واقع میشود هر چند حقوق عامه مورد قبول حکومت نیست اما بی‌آنکه میل و رغبت داشته باشد ، بنا به مصالحی آن را مجاز یا قابل تحمل تلقی مینماید . گهگاه نیز حکم محکومیت عاملان به حقوق عامه و در نتیجه متخلفان از حقوق رسمی صادر میشود ، اما حکومت در اجرای حکم اصرار نمی‌ورزد . قانونگذاران غرب فعالیت کارتل‌ها و گهگاه برخی از سندیکاها را منع نموده‌اند اما در عمل با آنها مدارا و مساهله کرده‌اند . مسئولان ادارهٔ شهر و یا روستاها در خصوص مزاحمت‌هایی که به آسانی و بی‌ضرر نمیتوان

۴ . نگاه کنید به قانون مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه، مصوب آبان ۱۳۳۶ . این قانون قدرت‌نمایی به وسیله چاقو و هیاهو و جنجال . . . مختل آسایش عمومی را مجازات می‌کند .

جلوی آنها را گرفت ناگزیر غمض عین می کنند و « چشمها را می بندند » سروصدای فراوان در شب با آنکه مزاحم زندگی و آسایش شبانه مردم است، چون از یکسو مردم با آن خوگرفته و از سوی دیگر - خصوصاً - بدون بروز اشکال های جدی نمیتوان با آن مقابله کرد مورد تساهل قرار میگیرند .

پیچیدگی مسأله ، به لحاظ برخورد مقامات مسئول بگونه ای است که ناظر و پژوهشگر باید در کار خود دقیق باشد تا بتواند آنچه را مورد نفی و طرد حکومت است و با آن به مقابله برمی خیزد - ولو در این مقابله موفق نباشد - و آنچه را مورد بی اعتنائی اوست و نیز مواردی را که نسبت به آنها تساهل روا میدارد ، از یکدیگر تفکیک نماید و هر کدام را در مقوله خاص خود جای دهد .

۳-۴ . تصدیق و امضاء حقوق عامه مردم - حقوق عامه معمولاً مورد قبول و تصدیق قدرت آسره قرار نمی گیرد و اجرایش بطور صریح از طرف وی تضمین نمیشود . چنین حالتی اصولاً به ندرت اتفاق می افتد و در صورت وقوع ، الحاق و انضمام دو وضع حقوقی پیش میآید و در نتیجه حقوق عامه ، که حقوق غیر رسمی است دارای ارزش و اعتبار و ضمانت اجرای رسمی میشود یعنی در واقع بر اساس اراده قانونگذار عنوان حقوقی رسمی مییابد .

برخی از عرفهای تجاری و یا عادات و رسوم کشاورزی و روستائی بعنوان عرف مورد قبول قانونگذار واقع و در متن قانون ذکر میشوند و در واقع در مقام مفسر و یا روشنگر ابهامات قانونی و جبران کننده سکوت قانون عمل می کنند و بدین ترتیب به صورت یکی از « منابع حقوق » رسمی تلقی میشوند .

با توجه به آنچه در این مبحث گذشت فرق دو وضعیت حقوقی : حقوق

عامه مردم و حقوق رسمی روشن میشود .

حقوق عامه ، شفاهی و محلی و اختصاصی است و برخوردار از ضمانت اجرائی نیست که حقوق کتبی بدون کشوری عام از آن بهره‌مند است . نبود این ضمانت اجرای رسمی از آن روست که این حقوق اصولاً برسمیت شناخته نمی‌شود . در نتیجه ضمانت اجرای حقوق عامه را باید بیشتر در هجویه‌ها و شیوه‌های رفتار عامه مردم جستجو کرد . این ضمانت اجرا از طرف افکار عمومی مورد حمایت قرار می‌گیرد . همان افکاری که موجد اصل حقوق نیز می‌باشد .

در عین حال چنانچه امر « معتاد » یا عرف حقوق عامه ، مقبول قانونگذار واقع گردد ، و قدرت آمر در مواردی معدود آن را تصدیق و امضاء کند ، وسائل خاص اجرائی خود ، چون پلیس و دادگستری را به یاری حقوق عامه می‌آورد و بنابراین واجد ضمانت اجرای حقوق رسمی‌اش می‌گرداند و مقررات آنرا جزء قلمرو نظم عمومی تلقی می‌کند . در این حال حقوق شفاهی عامه واجد ضمانت اجرای مضاعف می‌گردد یعنی هم برخوردار از ساز و کار هجو و تحقیر و سرزنش عامه است و هم دارای ضمانت اجرای رسمی قضائی .

ع . مباحث حقوق عامه مردم

حقوق عامه ، که اصولاً دارای ضمانت اجرای مخصوص خویش است ، بعنوان « امر حقوقی » مورد بررسی قرار می‌گیرد و بخشی از مطالعات فولکلوری را تشکیل می‌دهد . اما برای بررسی این مجموعه حقوقی باید مسائل آن را در مباحث هم سنخ دسته‌بندی نمود . در این مجموعه میتوان چهار مبحث حقوق خانواده ، حقوق مالکیت ، حقوق قراردادی و حقوق جزا را از یکدیگر تفکیک کرد و فولکلور حقوقی را به چهار کتاب تقسیم نمود .

۱- ۴. کتاب حقوق خانواده - در این کتاب مجموعه روابطی مدنظر قرار میگیرد که در خانواده و یا خاندان وجود دارد. مقصود از خانواده همان خاندان به معنی قدیمی آن، یعنی گروه خانوادگی گسترده است که موسع تر از خانواده زن و شوهری میباشد و علاوه بر فرزندان، نوادگان و نیز اجداد و گهگاه خواهران و برادران و اقربای دیگر را هم در برمیگیرد. کتاب اول با توجه به روابط موجود در این قلمرو گسترده به دو بخش اساسی: حقوق پدر- فرزندی و حقوق زناشویی تقسیم میشود در این دو بخش از یکسو رابطه پدر و مادر و فرزندان و از سوی دیگر روابط زن و شوهر بررسی میشوند.

احوال شخصیه در این کتاب مورد مطالعه قرار میگیرد.

۲- ۴. کتاب حقوق مالکیت - این کتاب مجموعه روابطی را در برمیگیرد که برعین اسوال و حقوق ناشی از آن حاکم است مقوله طبره تارنزلما، اراضی، ابزار و وسائل کار و محصولات در این کتاب بررسی میشوند.

۳- ۴. کتاب حقوق قراردادی - این کتاب حاوی مجموعه روابطی است که بین خانوادهها و میان اشخاص، به منظور تنظیم منافعشان حکومت دارد. گرچه این روابط همواره مؤسس بر اساس اراده و قبول آزادانه نیست اما رضایت در درجه اول قرارداد دارد. حقوق تعهدات یا قراردادها، در این کتاب بررسی میشود. از این قبیل اند حقوق مشاغل (مقررات بازارها) و مقررات حرف و صنوف مختلف، عرفهای دهقانی و کشاورزی و کارگری و...

۴- ۴. کتاب حقوق جزا - در این کتاب مجموعه مجازاتهای نظام عرفی عامه دسته بندی میشوند. اصولا همانطور که گفتیم، این ضمانت اجراها توسط قانونگذار پیش بینی نشده اند، اما گهگاه نیز ضمانت اجرای عامه را ضمانت اجرای حقوق رسمی تشدید و تقویت می کند.

عناوین فرعی و تفصیلی این چهار کتاب، و به بیان دیگر فهرست

مطالب ، را باید به صورت پرسش نامه‌ای دقیق تنظیم و تدوین کرد . با گردآوری پاسخهای متعددی که به پرسشها داده میشود و سپس طبقه‌بندی آنها حدود و ثغور حقوق عامه مردم در هر مورد و در قلمروهای گوناگون بدست خواهد آمد .

بخش دوم

پرسش نامه

مقدمه

پرسشنامه زیر به عنوان بخش دوم بحث در باره « فولکلور حقوقی » شیوه تحقیق عملی در باره نکته‌های مطرح شده در بخش اول را عرضه مینماید .

در مورد این پرسشنامه توجه به مطالب زیر بایسته است :

۱ . روش کار در تنظیم پاسخهای پرسشنامه

۱-۱ . همانطور که در پایان بخش اول آمد ، مطالعه مربوط به فولکلور حقوقی به چهار کتاب تقسیم میشود . اما پرسشگر الزامی ندارد که برای تمامی کتابها و یا همه پرسشهای یک کتاب جواب بیاورد . در یک محل ممکن است پاسخ قابل ملاحظه‌ای برای برخی از مباحث موجود نباشد . بنابراین هر سؤال را باید مستقل دانست و برای آن پاسخ مشروح عرضه کرد ضمناً پاسخ ممکن است به تمامی یک دهکده و یا فقط به یک خانواده مربوط گردد .

- ۱-۲. در هر مورد باید کوشید تا عرفهای تحمیلی از عرفهای معمول و رایج متمایز گردند و امور مورد تسامح و آنچه کاملاً مردود و مطرود است از یکدیگر تفکیک شوند.
- ۱-۳. تا آنجا که ممکن است باید انگیزه امر مورد تحقیق را جستجو کرد و یافت، اعم از اینکه امر مورد نظر قاعده یا استثناء بر قاعده باشد.
- ۱-۴. خصوصاً باید از تغییرات قدیم یا جدیدی که در عرف و عادت محل رخ داده است آگاهی یافت و آنها را بدقت یادداشت نمود.
- ۱-۵. در صورت لزوم، فرق میان شهر و ده و شهرک و شهرهای اقماری و... را در مورد یک عادت یادداشت کرد. همچنین فرق میان عادات خانواده‌های مختلف یک محل را باید ذکر کرد و در اینصورت ویژگیهای این خانواده‌ها را یادآوری نمود.
- ۱-۶. هر سؤال باید از سئوالهای دیگر مجزا و در یک یا چند برگ مخصوص همان سؤال نوشته شود. بالای هر برگ یا برگهای مربوط به یکسؤال (بدون استثناء) باید بترتیب: شماره پرسش، نام محل (دهکده، بخش و...)، یا خانواده مورد تحقیق و نام پرسشگر و تاریخ تحقیق یادداشت شود. سئوال فرعی قبل از پاسخ با شماره سؤال فرعی مشخص میشود. تنها از یک روی کاغذ باید استفاده کرد و در هر دو حاشیه خصوصاً حاشیه راست به اندازه کافی باید جای خالی گذاشت.
- ۱-۷. نقشه محل را چنانچه وجود دارد و یا می‌توان به آسانی تنظیم کرد، باید ضمیمه تمامی پرسشنامه نمود. وابستگی هر محل را به ناحیه و منطقه و استان - بر طبق تقسیمات کشوری - باید دقیقاً ذکر کرد.

۲. یادآوریهائی درباره محتوای پرسشنامه

- ۲-۱. همانطور که در قسمت اول گفته شد، در مطالعه راجع

به فولکلور بیشتر باید به خانواده‌ها توجه کرد. دقت در سئوالات و میزان آنها در هر کتاب، به روشنی، اهمیت حقوق خانواده را نشان می‌دهد. بواقع در این قلمرو است که اصولاً قدرت عمومی هم کمتر مداخله میکند و هم اگر بیش از یک حد معین بخواهد روابط خانوادگی را زیر ذره‌بین بگذارد، با مقاومت روبرو میشود. علاوه بر اینها جنبه باید و نباید اخلاقی و مبتنی بر عاطفه و دوستی و محبت و... در روابط خانواده‌ها بر جنبه حقوقی خشک آنها غلبه دارد و بنابراین دامنه باید و نبایدهای حقوق عرفی را که با اخلاق هم‌خانه‌اند و عنان بر عنان می‌روند گسترده‌تر می‌سازد.

مقاومت خانواده در برابر اعمال نفوذ بیگانه و حقوق بیگانه استعماری همواره شدید بوده و استعمار نیز به همین علت همیشه کوشش فراوان داشته است تا این کانون مقاومت را در هم بشکند. نفوذ حقوق بیگانه یا عرفهای خلاف اخلاق متبع یک جامعه اسلامی در یک خانواده، گزارشگر فرهنگ زدگی حقوقی شدید و فرهنگ‌زدائی عمیق است.

۲-۲. در کتاب حقوق اسوال، به روابط میان انسان و اشیاء باید با توجه به این نکته نظر کرد که این روابط روح و معنائی بیش از آن دارد که در محیط ماشین‌زده ملاحظه میشود. در قلمرو مورد پژوهش ما رابطه انسان با عالم مادی و بطور کلی مجموعه خارج از انسان اعم از بی‌جان و جاندار، از گستردگی و ژرفائی بیشتر برخوردار است. احوال پرسی، جداً در حد احوال پرسی از افراد خانواده محدود نمی‌شود و گاو و گوسفند و... را هم در بر می‌گیرد و... پرده‌ای که پس از درورودی آویخته است بیش از یک پرده معمولی است. حافظ آبرو و مدافع حیثیت است و کندن آن گهگاه فاجعه‌آمیز است. در عین حال در مفهوم مالکیت به تحلیل‌های دقیق حقوقی توجه نمیشود و تصرف در این مقام همه مفهوم را در بر دارد.

۲-۳. آنچه در کتاب حقوق اموال و بطور کلی همه کتابها باید قطعاً مورد توجه باشد اینست که : از رجوع به قانون مدنی و نظائر آن برای دریافت مفاهیم پرهیز گردد و مفاهیم در قالب تعاریف محلی بیان شوند و مقولات با کمک همین تعاریف روشن گردند .

کتاب اول

حقوق خانواده

فصل اول : قرابت نسبی

۱. قرابت یا خویشاوندی

۱-۱. طبقات و درجات

۱-۲. نظام و مراتب و موقعیت خویشاوندان در مراسم : تشییع جنازه و تدفین - مدت سوگواری - آداب عزا بر حسب طبقات و درجات قرابت .

۲. نام خانوادگی

۲-۱. ایجاد و انتقال نام خانوادگی، نبودن نام خانوادگی ، چرا ؟

۲-۲. القاب ریشخند آمیز و مبتنی بر مطایبه و شوخی .

۲-۳. نام خانوادگی به نام قبیله ، نام آبادی ، ده و ولایت و ایالت

یا پدر و پدربزرگ نسبت داده شده است ؟ یا . . . ؟

۲-۴. اسم شخص ، در زمان حیات و یا پس از مرگ به دیگری -

از نزدیکان - داده میشود ؟

۵-۲. خطاب احترام‌آمیز - شما - یا دوستانه - تو - یک طرفه یا دوطرفه بودن این خطاب - علت یا علل آن .

۳. حقوق نسبت به اسم

- ۱-۳. چه کسی صاحب اصلی نام خانوادگی است ؟ پدر ؟ جد ؟
 آیا اصولاً این معنی نزد گروه مورد پرسش وجود دارد ؟
- ۲-۳. زن هنگامی که شوهرمی‌کند، نام خانوادگی خود را نگه‌می‌دارد ؟
- ۳-۳. علاوه بر برادر، خواهر - عمو، عمه، دایی، خاله - پسرعمو و پسردایی، پسرعمه و پسرخاله . و : دخترعمه، دختردایی، دخترعمو، دخترخاله اصلی، این نامها به چه کسانی داده میشود ؟
- ۴-۳. نامها و عناوین خطاب و یا القاب رایج میان : پدر و پسر و دختر - مادر و پسر و دختر - خواهر و برادر - عمو و دایی و برادرزاده و خواهرزادگانشان - زن و شوهر - مادر شوهر و عروس، پدر زن و داماد - پدر شوهر و عروس - مادرزن و داماد (از هر دو طرف) و . . .

۴- دودمان

- ۱-۴. قدمت دودمان . طریقه شناسائی اجداد : شجرة النسب - دفتر موجود در خانواده در مورد انساب و روابط خانوادگی یا اقتصادی .
- ۲-۴. معنی آباء و اجداد .
- ۳-۴. معنی و محتوای تکالیف نسبت به آباء و اجداد .
- ۴-۴. صلة رحم
- ۵-۴. سالگردها، یادبودها، زیارت اهل قبور .
- ۶-۴. اولاد و احفاد

- ۷-۴. قوم و قبیله و عشیره و تیره و ... معنی و مطالبی که در ادبیات شفاهی (افسانه‌ها و اشعار عامیانه) در این باب وجود دارد .
- ۸-۴. خط مستقیم صعودی پدری - خط مستقیم صعودی مادری .
 فرق آنها . به حساب آوردن آنها در امور جاری زندگی - تکالیف خویشاوندی - ارث .

۵. خانه یکی بودن

- ۱-۵. پسر تا چه زمان در خانه پدری میماند ؟ به صرف کبیر شدن جدا میشود ؟
- ۲-۵. پسر پس از ازدواج با پدر و مادر زندگی می‌کند ، یا جدا میشود و در نزدیک خانه وی خانه میگیرد ؟
- ۳-۵. در صورت خانه یکی بودن پسران پس از ازدواج ، این امر پس از مرگ پدر (یا مادر) میان برادران ادامه می‌یابد ؟
- ۴-۵. چنانچه امکان خانه یکی بودن همه پسران با پدر و مادر نباشد (به علت کمی جا) کدامیک از پسران حق تقدم دارد ؟ این حق از جانب پدر و مادر داده میشود یا انتخاب با فرزندان است ؟
- ۵-۵. آیا نوادگان و برادرزادگان نیز در کنار هم در یک خانه زندگی می‌کنند و یا در همسایگی هم باقی میمانند . تعداد خویشاوندانی که به این ترتیب نزدیک یکدیگر هستند ؟ آمار از راه محاسبه کانونهای خانوادگی در هر خانه و تعداد خانه‌ها .

۶. گردهم‌آئی‌های اقربا در تولد ، ازدواج ، مرگ

- ۱-۶. دعوت کننده کیست و دعوت به چه ترتیب صورت میگیرد ؟
- ۲-۶. حقوق و تکالیف دعوت‌شدگان .

- ۳-۶. نامگذاری ، (شب شش) عقیقه ، ختنه‌سوران .
 ۴-۶. بله‌بران ، عقد ازدواج ، عروسی .
 ۵-۶. فوت ، مراسم و آداب ، سوم ، هفتم ، چهلم ، سال ، سالگردها .

۷. حقوق و تکالیف همسایگان و همسایگی

- ۱-۷. از چه نظر و تا چه حد حقوق و تکالیف همسایگان شبیه حقوق و تکالیف خویشاوندان است ؟ نحوه شرکت و مقام و موقع آنها در جشنها ، بازیها ، کارهای جاری ، سوگواریها و ...
 ۲-۷. مشاع بودن زمینها و مزارع ، حد مزارع ، پرچینها و ...
 ۳-۷. کشمکش میان همسایگان ، خصوصاً اختلاف در باره تقسیم آب ، سهم و وقت آن .
 ۴-۷. همکاری در برداشت محصول ، یک کاسه کردن تولید لبنیات روزانه و ...

۸. ولایت پدر و آمریت مادر و احترام به خویشاوندان

- ۱-۸. ولایت پدر ، پس از بلوغ نیز به لحاظ عرف محل در مورد پسر ادامه می‌یابد ؟ در این حال ، این ولایت فقط نسبت به پسران مجرد و دختران مجرد (که یکبار شوهر کرده‌اند) ادامه دارد و یا نسبت به فرزندان متأهل نیز اعمال میشود ؟ وضع دختر مجرد بیوه .
 ۲-۸. مقام و موقع مادر نسبت به فرزندان از لحاظ اعمال قدرت و آمریت .
 ۳-۸. حقوق خاص مادر بالنسبه به دختران .
 ۴-۸. حقوق مادر شوهر نسبت به عروس خود .
 ۵-۸. آداب احترام نسبت به اجداد ، پدر و مادر ، عمو و دایی ، عمه و خاله .

۸-۶. طول دوره ولایت و آسرتیت پدر و مادر - به چه معنی میتوان از رفع حجر سخن گفت . فرزند بالغ تا چه حد عملاً مأخوذ به اطاعت است؟
۸-۷. روابط خاص میان عمو و دایی و عمه و خاله و برادرزادگان و خواهرزادگان .

۹. آثار و نتایج قرابت یا خویشاوندی : حدود حقوق و تکالیف خویشاوندان در طبقات و مراتب مختلف نسبت به یکدیگر ، اشخاص و اموال
- ۹-۱. تعاون و همیاری ، کمک و مساعدت ، نگاهداری اقربا - وظیفه تأمین معاش - (آیا از نوعی نفقه میتوان سخن گفت ؟) .
 - ۹-۲. حقوق و تکالیف مربوط به مهمان‌نوازی . اشکال و مراتب آن .
 - ۹-۳. علاوه بر قیم‌های قانونی ، قیمومت به چه کسی واگذار میشود ؟
 - ۹-۴. حق استفاده از اموال خویشاوندان ، دخالت در اداره اموال ، تصرف در اموال .
 - ۹-۵. وضع پیران و از کارافتادگان .
 - ۹-۶. شهادت به نفع اقربا . علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 - ۹-۷. پرداخت قروض خویشاوندان . انسان
 - ۹-۸. روابط تعاونی میان خویشاوندانی که در آبادیها یا دهات مختلف به سر میبرند .
 - ۹-۹. تکالیف خاص خویشاوندان دارا نسبت به اقربای فقیر خود .

۱۰. شرم و حیا ، ادب و احترام در میان خویشاوندان

- ۱۰-۱. احترام ، اجبار ، خودمانی بودن ، شوخی کردن ، مسخرگی و لودگی نمودن . زمان و مکان هر یک .
- ۱۰-۲. طرز ادای احترام (کلاه برداشتن ، کلاه بر سر داشتن ، چارقد

و روسری داشتن ، چادر برسر داشتن (تعارف کردن ، تهنیت گفتن ، ملاقاتها و تعارفی و دستمال بسته ، هدیه و سوغات بردن .

۳-۱۰ . اعمال و رفتار خلاف ادب .

۴-۱۰ . ستیزه‌جوئی و سرکشی و منازعه میان خویشاوندان : میان بزرگترها با هم، میان پدر و پسر و میان برادران ، برادر شوهرها و برادرزنها، خواهرها ، خواهر شوهر و زن برادرها ، پسرعموها ، پسرعمه‌ها ، پسرخاله و پسردائی‌ها و دخترعموها و عمه‌ها و خاله‌ها و دائی‌ها ، عروس و مادر شوهر - علل و اسباب این امور موضوعات دعواها و چگونگی رفع و رجوع و حل و فصل آنها .

۱۱ . کینه کشی و انتقام‌جوئی میان دو خانواده یا دو تیره .

۱-۱۱ . اساس حق انتقام : خویشاوندی ، یا همسایگی و دوستی است؟

۲-۱۱ . چه کسی باید انتقام بگیرد و از چه کسی باید انتقام گرفته

شود ؟

۳-۱۱ . انگیزه انتقام و آثار آن .

۴-۱۱ . سهم و اثر دوستان ، همسایگان ، تیره و قبیله و عشیره و . . . در

انتقام .

۵-۱۱ . آداب و آئین انتقام‌گیری

۱۲ . مالکیت و تصرف در روابط خویشاوندی .

۱-۱۲ . اموال مشترک خانواده یا اقربا . تصرف در اموال . حق انتفاع و

استعمال : حیوانات ، ابزار ، نمات .

۲-۱۲ . ترکیب اموال خانوادگی : علف چرها ، علوفه‌ها ، زراعت ،

ارزیابی و تقویم اموال .

۱۲-۳ . حق پدر بر روی اموال خانواده : آیا پدر باید راجع به فروش اموال ، بویژه با پسرانش مشورت کند ؟ آیا پسر باید از پدر برای فروش اموال خود اجازه بگیرد ؟

۱۲-۴ . انتقال اموال غیر منقول یا منقول خانواده از نظر افکار عمومی محیط مربوط چگونه تلقی میشود ؟

۱۲-۵ . تشریفاتى که بر اساس آن پسری که تأهل اختیار کرده یا اختیار نکرده است اموالی مجزا برای خود فراهم می آورد .

۱۳ . قراردادهای منعقد میان خویشاوندان و قراردادهای منعقد با غیر آنها

۱۳-۱ . موضوع این قراردادها ، اشکال و صور آنها ، آثار و نتایج آنها .

۱۳-۲ . وکیل کردن خویشاوند یا غیرخویشاوند .

۱۳-۳ . انجمنهای دوستانه و همیاری و . . . مبتنی بر قرارداد و معاهده

میان خویشاوندان یا غیر آنها .

۱۳-۴ . روابط با خدمتگزاران و کارگران .

۱۴ . وصیت

۱۴-۱ . در صورتیکه متوفی وصیتی نکرده باشد ، عرف در مورد ثلث

وی چگونه است ؟ آیا سهمی برای امورخیریه از محل ثلث تعیین نشده متوفی در نظر گرفته میشود ؟ به یادآوریهای زمان حیات متوفی اعتنایمیشود ؟

۱۴-۲ . چنانچه عرفهائی در کنار و یا مغایر موازین و مقررات قانون

مدنی وجود دارد دقیقاً در هر مورد ذکر شود و معلوم شود آیا در مورد اجرای این عرفها توافق وجود دارد یا نه ؟

۱۴-۳ . آیا حق کسی که از محل ثلث برای وی وصیت شده است

بدون اعتراض (و یا اساساً) مورد قبول است ؟

- ۴-۱۴. آداب و مراسم وصیت . متون معنی‌دار از وصیت‌نامه‌ها .
- ۵-۱۴. هدف وصیت : امورخیریه ، دارا کردن خویشاوندان نادار ، کمک به فرزندان فقیر ، کمک به دختر یا دختران خانواده - استفاده از وصیت برای لطمه‌زدن به حقوق وارث . چگونه ؟
- ۶-۱۴. مشاجرات مربوط به وصیت چگونه حل و فصل میشود ؟ مرجع رسیدگی ...

۱۵ - ارث

- ۱-۱۵. حقوق کسانی که غائب‌اند و یا مهاجرت کرده‌اند چگونه حفظ میشود ؟
- ۲-۱۵. آیا جهیزیه به حساب سهم‌الارث گذاشته میشود و یا جهیزیه دختری که شوهر نکرده است ابتدا کسر و سپس سهم‌الارث‌ها تعیین میشود ؟ تأثیر عرف ، روابط عاطفی خانوادگی ، توصیه پدر (متوفی) در این باب .
- ۳-۱۵. مقررات عرفی که به نفع فرزند ارشد وجود دارد .
- ۴-۱۵. آیا پسر یا دختری که از لحاظ مالی در شرایط خوب قرار دارند ، از سهم‌الارث خود صرف‌نظر می‌کنند ؟
- ۵-۱۵. با زنی که پس از فوت همسر خود باقی مانده است چگونه رفتار میشود ؟ در صورتی که فرزند داشته باشد - چنانچه فرزند نداشته باشد ، و چنانچه فرزند نداشته باشد و متوفی فرزندان از زن دیگر داشته باشد . آیا علاوه بر پرداخت سهم‌الارث از وی نگهداری میشود ؟
- ۶-۱۵. آیا پس از مرگ پدر ممکن است که ارث تقسیم نشود و « یکجا » باقی بماند ؟ تواتر و تکرار این امر ، نحوه اداره و تقسیم منافع ، تأمین و تأدیه حقوق کسانی که در این حالت تقاضای دریافت سهم‌الارث خود را دارند .

- ۷-۱۵. آیا پس از مرگ پدر، برای نگهداری خانه پدری عرفی وجود دارد؟
- ۸-۱۵. مشاجرات مربوط به ارث چگونه حل و فصل میشود؟ مرجع رسیدگی.

۱۶. فرزند خواندگی

- ۱-۱۶. عرفاً و یا شرعاً، به چه ترتیب و از چه راهها و با چه مکانیسمی بچه‌ای به فرزند خواندگی قبول میشود؟
- ۲-۱۶. تواتر این امر در محل مورد مطالعه، علل آن.
- ۳-۱۶. نحوه انتقال دارائی متوفی به فرزند خواندگان.
- ۴-۱۶. اختلافاتی که پس از درگذشت، پدرخوانده یا مادرخوانده، میان فرزند خواندگان و دیگر خویشاوندان متوفی پدید می‌آید. مرجع رسیدگی؟
- ۵-۱۶. در صورتی که فرزند خوانده، از رابطه دقیق خود با پدرخوانده یا مادرخوانده خویش آگاه نباشد و آنها را پدر و مادر حقیقی خود بداند، خویشاوندان پس از درگذشت آنها با وی چگونه رفتار می‌کنند و حقوق قانونی و شرعی خود را به چه ترتیب مطالبه می‌کنند؟ - آثار منفی آگاهی فرزند خوانده از رابطه دقیق خود با متوفی.

۱۷. تدفین و عزاداری

- ۱-۱۷. چگونگی اعلام درگذشت و مراسم تشییع جنازه.
- ۲-۱۷. حقوق و تکالیف کسانی که در مراسم عزاداری زبان می‌گیرند. آیا اصولاً چنین رسمی وجود دارد.
- ۳-۱۷. خرج دادن و یا پذیرائی ساده در سوم، هفتم، چهلم، سال و... .

- ۱۷-۴ . آداب عزاداری ، مدت آن ، پایان آن ، از عزادار آمدن ، سلسله مراتب برای عزادار بودن و از عزا در آمدن .
- ۱۷-۵ . مقبره خانوادگی - چه کسانی در این آرامگاه دفن میشوند ؟
- ۱۷-۶ . به مشاجرات مربوط به مسائل تدفین و عزاداری چگونه رسیدگی میشود و چه کسی آنها را حل و فصل سینماید ؟

۱۸ . روابط اجتماعی - اقتصادی خانواده‌های یک محل با یکدیگر

- ۱۸-۱ . ارتباط خانواده‌های همسایه و یا غیر همسایه که در مراتب مختلف اجتماعی قرار دارند (در صورتیکه هنوز در نزد آنها این مفهوم وجود داشته باشد) چگونه برقرار میشود ؟
- ۱۸-۲ . رابطه هر خانواده با سازمان محل (ده ، ناحیه و منطقه و ... تکیه ، مسجد محل و ...) .
- ۱۸-۳ . حقوق هر خانواده نسبت به مشترکات : علف چرمشترک و یا آنچه با توافق به صورت مشترک اداره میشود : گله مشترک ، سبزیکار و باغچه مشترک و ...
- ۱۸-۴ . روابط هر خانواده با سازمان های زراعی ده (تقسیم آب ، نسق بندی ، بنه ، و بنه بندی و ...) آیا هر خانواده‌ای در این سازمانها نماینده دارد ؟ (کلید مفاهیم مربوط به نظام کشاورزی که جنبه حقوقی دارد در این قسمت ذکر خواهد شد .)

فصل دوم : قرابت سببی

۱۹ . ازدواج

- ۱۹-۱ . ازدواج میان چه کسانی ، چه خانواده‌هایی انجام میشود ؟

- ۱۹-۲ . ازدواج در خانواده : دختر عمو ، پسر عمو - دختر دایی ، پسر عمه - دخترخاله ، پسرخاله و . . . یا خارج از خانواده صورت می گیرد؟
- ۱۹-۳ . ازدواج در میان اهالی محل (ده یا شهر) و یا خارج از محل (ده دیگر ، شهر دیگر) انجام می یابد ؟
- ۱۹-۴ . حد خروج از محل چه قدر است ، تا شهر ، تا شهرستان ، استان ؟ تبصره - براساس دفاتر ثبت ازدواج محل ، محل تولد و احتمالات اقامت همسران و آمار ازدواجهای ده سال اخیر یادداشت شود .

۲ . اتحاد میان خانواده ها

- ۲-۱ . خانواده هایی که دارای عرف اتحاد میان خود هستند . مبنای این امر ؟
- ۲-۲ . دختر دادن و دختر گرفتن . علت این امر ؟

۲۱ . جستجو و انتخاب همسر

- ۲۱-۱ . قدرت و آمریت پدر (صرف نظر از ولایت پدری) برای تحمیل نظر خود (وصلت یا منع آن) .
- ۲۱-۲ . موانع عملی در انتخاب همسر .
- ۲۱-۳ . خواستگاری .
- ۲۱-۴ . وصلت ناجور ، وصلت با کسی که دون شان شخص یا خانواده اوست . ازدواج مصلحتی .
- ۲۱-۵ . قدرت و نفوذ مادر در انتخاب همسر .
- ۲۱-۶ . سازمان دهی برای یافتن همسر .

۲۲ . تجرد

- ۲۲-۱ . علل تجرد و فراوانی آن : برای زن ، برای مرد .

۲۲-۲ . چگونگی اداره زندگی پیردختران .

۲۲-۳ . لزوم ازدواج ، توالد و تناسل .

۲۳ . تشریفات مردمی ازدواج

۲۳-۱ . نامزدی ، ارزش عرفی آن ، بهم خوردن نامزدی .

۲۳-۲ . عقد و مراسم آن و عروسی و مراسم آن و زمان عقد و عروسی

(ساعت) .

۲۳-۳ . دعاها و بیان آرزوها برای تازه عروس و تازه داماد .

۲۳-۴ . زیر لفظی ، مفهوم حقوقی آن . قدرت بازدارنده آن (در صورت

عدم رعایت) .

۲۴ . هدایا و چشم روشنی‌ها - مهریه

۲۴-۱ . هدایائی که از طرف مرد یا زن به طرف مقابل داده میشود،

چه زمان ، چه چیز .

۲۴-۲ . کدامیک از هدایا و به چه علت در آینده قابل استرداد است .

۲۴-۳ . هدایا و چشم‌روشنی‌های دیگران . چه زمان ، چه چیز ، توسط

چه کسانی ؟ دوری و نزدیکی با عروس و داماد ، موقعیت خانوادگی و

مالی هدیه دهنده .

۲۴-۴ . مهریه ، معنی و مفهوم آن ، حیثیت و شخصیت خانواده دختر،

تأمین آینده ، تشریفات (کی داده کی گرفته ؟) ، چشم هم چشمی ، و . . .

میزان آن . درده سال اخیر ، تحولات و میزان آن .

۲۵ . طلاق

۲۵-۱ . فراوانی طلاق ، علل آن (برای زن ، برای مرد) آمار دهساله

اخیر .

- ۲۵-۲ . قهر کردن طولانی و ترک خانه .
 ۲۵-۳ . ازدواج مجدد طلاق گرفتگان (زن و مرد) قضاوت افکار عمومی

۲۶ . بیوگی (صورت فوت همسر)

- ۲۶-۱ . وضع و موقع بیوگان .
 ۲۶-۲ . ازدواج مجدد بیوه ، فاصله با فوت همسر . قضاوت افکار عمومی .
 ۲۶-۳ . ازدواج بیوه زن با خویشاوندان نزدیک متوفی .
 ۲۶-۴ . ازدواج مرد زن مرده با خویشاوندان نزدیک زن .
 ۲۶-۵ . نگهداری بچه های کوچک .

۲۷ . قدرت در خانواده

- ۲۷-۱ . ریاست شوهر ، حقوق و تکالیف وی .
 ۲۷-۲ . حقوق و تکالیف زن .
 ۲۷-۳ . شوهر مجذوب یا مرعوب زن . تلقی افکار عمومی .
 ۲۷-۴ . اختلاف میان زن و شوهر . علل ، راه حل .
 ۲۷-۵ . قدرت زنی که فرزند ندارد . قدرت زنی که فرزند دارد .

۲۸ . ادب و احترام در خانواده (میان زن و شوهر)

- ۲۸-۱ . آداب دانی تازه عروس و تازه داماد .
 ۲۸-۲ . ملاحظات و مراعاتها ، آزادیها .
 ۲۸-۳ . مشارکت در کارهای خانه (توسط مرد) .
 ۲۸-۴ . توهین و بی حرمتی - حد مجاز .
 ۲۸-۵ . دشنام و کتک کاری .

۲۹. مالکیت و تصرف

- ۲۹-۱. مالکیت هر یک از زن و شوهر
- ۲۹-۲. جهیز زن . چه کسی آن را به عروس می‌دهد . جهیز در کدام قسمت از اموال خانواده قرار می‌گیرد . نحوه استرداد آن هنگام طلاق ، پس از فوت شوهر .
- ۲۹-۳. مالکیت اموالی که نتیجه کارزن است ؟
- ۲۹-۴. حق تصرف در اسباب و وسائل منزل ، به غیر از تصرفات معمولی - بردن به خارج خانه ، امانت دادن برای مدت طولانی ، گروه‌گذاشتن و ...

۳۰. کار همسران و فرزندان

- ۳۰-۱. کارهایی که معمولاً مرد انجام می‌دهد .
- ۳۰-۲. کارهایی که معمولاً زن انجام می‌دهد .
- ۳۰-۳. کارهای مشترک و کارهای کاملاً اختصاصی .
- ۳۰-۴. وسائل و ابزار کار هر یک از همسران و فرزندان ، مالکیت آنها .
- ۳۰-۵. کارهای فرزندان - پسر و دختر - فرق های موجود میان کار آنها .

۳۱ - حضانت و تربیت

- ۳۱-۱. حضانت و تربیت پسران و دختران .
- ۳۱-۲. سهم و اثر ولایت پدری ، ریاست خانواده ، مادر .

۳۲. زن و شوهر در عرصه روابط خانوادگی

- ۳۲-۱. دخالت پدر و مادر دو طرف (زن و شوهر) در زندگی زناشویی فرزندان خود .

۳۲-۲. خطاب‌ها ، عناوین ، تعارفات ، ملاحظات و مراعات ها نسبت به پدر و مادر دو طرف .

۳۲-۳. روابط زن با خانواده شوهر .

۳۲-۴. روابط شوهر با خانواده زن .

۳۲-۵. روابط زن ، با خانواده پدری و مادری خود : ملاقاتها ،

حقوق و تکالیف مربوط به جشنها ، عزازها و ...

۳۲-۶. روابط مرد با خانواده پدری و مادری خود .

۳۲-۷. وضع مواردی که داماد سرخانه است .

۳۳. روابط اجتماعی زن و شوهر

۳۳-۱. روابط زن و مرد با غیر خویشاوندان

۳۳-۲. گردش مردها ، حضور در فلکه و میدان عمومی محل .

قهوه‌خانه‌ها ، شکار ، دوره‌ها و ...

۳۳-۳. گردهم‌آئی زنان ، برای کار : سرچشمه و سرقنات ، رختشویخانه

دوشیدن شیر و ... ، شعائر و امور مذهبی (روضه ، دعا ، زیارت ، زیارت

اهل قبور و ...) .

۳۳-۴. مسافرت‌های دسته‌جمعی مردان و زنان ، زیارت ، بازار رفتن ،

مکاتبه .

۳۴. مقام و موقع اجتماعی زن

۳۴-۱. حضور زن در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی .

۳۴-۲. زن در شعر و نثر و مطایبات و هجویه‌ها .

کتاب دوم

حقوق اموال - مالکیت

۳۵. اشیاء یا « اموال » و رابطه آنها با افراد انسانی

۳۵-۱. رابطه افراد با یکدیگر در خصوص اشیاء : حقوق شخصی .

۳۵-۲. رابطه افراد با اشیاء (حقوق مادی - عینی) .

۳۶. دنیای خارج و مفهوم آن ، از لحاظ آنکه در نظم حقوقی اثر می‌گذارد

۳۶-۱. زمین و آب و درخت ، محترم شمردن آنها .

۳۶-۲. محیط معنوی‌ای که حقوق مادی یا عینی در حوزه آن بسط

و گسترش مییابد .

۳۷. موضوع حقوق عینی ، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳۷-۱. چه کسی میتواند حقوق عینی را بعنوان متصرف یا مالک

به مرحله اجراء بگذارد .

۳۸. حقوق مالی با صبغه قدسی و معنوی

۳۸-۱. اموالی که وقف اماکن مقدس میشود .

۳۸-۲. مفهوم شرکت با بزرگان دین (شرکت با ابوالفضل (ع)) .

۳۸-۳. تکالیفی که این حقوق برای گروه اجتماعی ایجاد می‌کند .

۳۸-۴. این حقوق ، چگونه و توسط چه کسی ، یا چه سازمانی به

مرحله اجراء گذاشته میشود .

۳۹. حقوق اموال جمعی و عمومی

- ۳۹-۱. دولت به عنوان متصرف عام .
- ۳۹-۲. مفهوم مردم یا عامه ، بعنوان مالک برخی از اموال : اموال عموم ، اموال مردم .
- ۳۹-۳. مفهوم ولایت ، ایالت ، مملکت به معنی قدیم (معنایی که در روستاها رایج است) از آن رو که مالک اموال هستند و اموال مشترک آنها .
- ۳۹-۴. خانواده بعنوان متصرف یا مالک اموالی که به گروه خانواده تعلق دارد .
- ۳۹-۵. آیا اموالی در خانواده هست که از مورد (۴ - ۳۹) مجزی و مستثنی باشد ؟ کدامها ؟ چرا ؟

۴. اموال اختصاصی

- ۴-۱. اموال اختصاصی زن یا شوهر .
- ۴-۲. اموال اختصاصی پسر کبیر که مجرد است و با پدر و مادر خود زندگی می کند .
- ۴-۳. اموال اختصاصی دختری که طلاق گرفته و یا شوهرش مرده است و با پدر و مادر خود زندگی می کند .
- ۴-۴. منشأ حق : جهیزیه ، هدیه ، هبه ، سوغات ، کار .
- ۴-۵. نوع اشیاء : زمین ، خانه ، جواهرات ، عطریات ، ...

۴۱. اموال مجهول المالک

- ۴۱-۱. آیا چنین اموالی وجود دارد ؟
- ۴۱-۲. وضع حقوقی آتی آنها چگونه است ؟

۴۱-۳. در اختیار چه سازمان یا شخصی گذاشته میشود؟

۴۲. آثار حقوق

۴۲-۱. آیا بر حسب موضوع، آثار حقوق مربوط به اموال متفاوتند؟
مثلا آیا در عرف میان مال منقول و مال غیر منقول فرق میگذارند، چگونه؟
و چرا؟

۴۲-۲. اموال منقول و غیر منقول در عرف محل احصاء شود.

۴۳. علامات تصرف و دلائل آن

۴۳-۱. علامات و رمزها: اشکال آنها، صیغه‌ها و جمله‌ها، و احصاء و یادداشت همه آنها.

۴۳-۲. علامت تصرف در مزارع: میل، پرچین و...

۴۳-۳. لوحه‌خانه.

۴۳-۴. علامت بر روی حیوانات: داغ، خالکوبی، شکاف دادن

برخی از اعضاء.

۴۳-۵. وسیله اثبات تصرف صحیح: قسم دادن جمعی، سوگند شخص

متصرف. تصدیق و شهادت همسایگان، شیاع، شایعه.

۴۳-۶. سند کتبی. اشکال مردمی این قسم سند.

۴۳-۷. تنظیم کنندگان اسناد: محل تنظیم اسناد: اسنادی که در

قهوه‌خانه‌ها تنظیم میشود. اسنادی که در بازار تنظیم میشود. لزوم حضور

رئیس صنف یا ریش سفید یا... سبک تنظیم، اختصاصات محلی

۴۴. ایجاد حق تصرف

۴۴-۱. منشاء این حق چیست؟ احصاء روشهای ایجاد و حفظ حقوق

عینی.

- ۴۴-۲ . تصرف زمین : از طریق خرید ، حيازت . احیاء موات .
- ۴۴-۳ . ضبط یک مال منقول .
- ۴۴-۴ . تولید یک محصول تازه - فضیلت کار - رابطه معنوی نتیجه کار و صانع آن .
- ۴۴-۵ . تصرف از طریق توارث یا قرارداد .

۴۵ . اختیارات دارنده حق عینی

- ۴۵-۱ . حق اشغال، سکنی، بهره‌برداری، انتفاع، استعمال، ارتفاق و . . .
- ۴۵-۲ . حق مصرف و تغییر و تبدیل، خصوصاً در مورد حیوانات .
- ۴۵-۳ . حق از میان بردن بوسیله مصرف یا از میان بردن (منهدم ساختن از طریق آتش زدن و . . .) چه زمان ، به چه علت .

۴۶ . ضمانت اجراء در حقوق عینی

- ۴۶-۱ . حمایت‌های خاصی که از حقوق عینی به عمل می‌آید .
- ۴۶-۲ . مال از آن جهت که با شخص رابطه عمیق دارد مورد چه حمایت‌هایی واقع می‌شود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
کتاب سوم

حقوق قراردادی (تعهدات)

فصل اول : قرارداد بطور کلی

۴۷ . تعهد

- ۴۷-۱ . چه وقت ، چگونه ؟ ، به چه منظور ، تا چه حد ، افراد از طریق قرارداد متعهد میشوند .

۴۷-۲. اموری که به موجب عرف و یا عقاید و افکار عمومی فرد را متعهد میسازد .

۴۷-۳. مفهوم وعده و مفهوم حسن نیت .

۴۸. طرفین قرارداد

۴۸-۱. چه کسی میتواند در برابر دیگری متعهد شود ؟

۴۸-۲. چه کسی باید خود را متعهد سازد ، در برابر چه کسی ؟

۴۸-۳. قراردادهای پدر و فرزند ، مادر و فرزند . قراردادهای خانوادگی.

۴۸-۴. قرارداد میان همسایگان .

۴۸-۵. طبقه‌بندی قراردادهای الزامی ، ممنوع ، معمول ،

مورد تسامح .

۴۸-۶. دخالت در انعقاد قرارداد و تصویب آن از طرف : اقوام

همسایگان ، اهالی محل یا ده ، یا منطقه .

۴۸-۷. قراردادهای دسته جمعی و قراردادهای فردی .

۴۸-۸. قرارداد با غریبه‌ها .

۴۹. چگونگی انعقاد قرارداد

۴۹-۱. مفهوم رضایت .

۴۹-۲. مقدمات انعقاد قرارداد . پیشنهاد و مذاکره ، قولنامه ...

... دلال

۴۹-۳. تناسب میان عوض و معوض ، حد آن .

۴۹-۴. قراردادهای بلاعوض ، تشریح موارد

۴۹-۵. در چه حالات و چه مواردی افکار عمومی موجب ارزش

قرارداد و حاسی اجرای آن است ؟

۶-۴۹. از چه هنگام قرارداد لازم الاجراست؟

۷-۴۹. مدت قرارداد : قراردادهای دائم و موقت ، قابل فسخ و

غیرقابل فسخ .

۸-۴۹. برای انعقاد قراردادها یا برخی از آنها اوقات معین و نیز محل

معین امری یا ارشادی وجود دارد . ارتباط قرارداد با زمان و مکان جشنها و...

۹-۴۹. انواع ژستها و ریزهائی که مربوط به انعقاد قرارداد است و

نیز دعاها ، دست دادن، رد و بدل کردن اشیاء کوچک بعنوان علامت ،

یا بعنوان وسیله اصلی انتقال ، (دستکش ، کلیدخانه) و نیز بیعانه و

علی الحساب و... ذکر شود .

تبصره : بطور خلاصه در مورد هر قرارداد صرفنظر از نکات فرعی یا

استثنائی ، به زمان قرارداد ، طرفین قرارداد ، اعمال طرفین و آداب مربوط

به انعقاد قرارداد ، آثار تعهد ، و ضمانت اجراها دقیقاً اشاره و هر کدام

مفصلاً تشریح گردد .

۵. ضمانت اجرای تعهدات

۱-۵. اجرای تعهدات از چه راههائی تضمین میشود؟

۲-۵. اقامه دعوی و مطالبه حق، در کجا ، چه زمان ، چگونه و

توسط چه کسی انجام مییابد؟

۳-۵. دلائل ، خصوصاً شهادت و شرائط آن .

۴-۵. پیشگیریها و احتیاطهای طرفین ، قبل ، هنگام ، بعد از انعقاد

قرارداد .

۵-۵. قدرت اجرائی قولنامه .

- ۶-۵۰. ضمانت اجراهای عرفی : تقبیح و سرزنش . آزار و اذیت همسایگان ، مذمت ، از طریق ادا و اطوار و کلمات .
 ۷-۵۰. مفهوم شرف و آبرو و حیثیت در مورد انواع قراردادهای .

فصل دوم : قراردادهای معین

۵۱. قراردادهای معین که موضوع آنها به مالکیت دادن یک شیء یا کار است.

- ۱-۵۱. هبه یا پیشکش و ارمغان : موارد آن ، اشکال آن ، آثار آن .
 ۲-۵۱. نذرها
 ۳-۵۱. پذیرائی و مهمانی ، سور (بعنوان قرارداد) .
 ۴-۵۱. معاوضه : سیادله کالا به کالا ، یا مبادله کالا با پول .
 ۵-۵۱. خرید و فروش نتیجه کار یا صنعت ، بوسیله کارگر ، صنعتگر (کاربر اساس سفارش) .
 ۶-۵۱. بیع با حق فسخ ، بیع با حق بازخرید .

۵۲. قراردادهائی که موضوعشان استفاده از یک شیء برای مدتی معین است.

- ۱-۵۲. قرض : طریقه انجام آن ، با مدت یا بدون مدت ، قرض الحسنه یا نوع دیگر استرداد عین یا مثل .
 ۲-۵۲. عاریه .
 ۳-۵۲. اجاره اموال منقول یا غیر منقول .

۵۳. قراردادهائی که موضوعشان عمل یا به انجام رساندن یک امر است.

- ۱-۵۳. قرارداد کار : چگونگی پرداخت مزد ، حق القدم ، (به خصوص در مورد قابله ، طبیب و ... دادن هدیه) .

- ۵۳-۲ . قرارداد تعلیم (نظیر پرشش قبل) .
- ۵۳-۳ . وکالت و نیابت : موضوعات آن .
- ۵۳-۴ . شرکت ، با هدف عمومی یا معین ، شکار و ماهیگیری و ...
- ۵۳-۵ . قرارداد سهم‌بندی به منظور جبران برخی از خسارات یا تعاون برای انجام بعضی امور (آبرسانی درده) چه کارهائی ؟ با چه کسانی ، در چه زمان و چگونه و با چه شرائطی انجام می‌یابد ؟
- ۵۳-۶ . قراردادهای دیگر ...

کتاب چهارم

حقوق جزا (ضمانت اجراهای مردمی)

۵۴ . قدرت رسوم و آداب عرفی

- ۵۴-۱ . از احترام به سنتها ، چگونه گفتگو میشود ؟
- ۵۴-۲ . طرق گوناگون تضمین حقوق و عاملان اجراء، سیاهه کامل ، طبقه‌بندی آنها .

۵۵ . اشکال ضمانت اجراء

- ۵۵-۱ . ضمانت اجراهای : اخلاقی ، هجوآمیز ، لعن و نفرین ، ممنوعیت ، سرزنش و تقبیح ، خوار و خفیف کردن و ...

۵۶ . عاملان اجراء

- ۵۶-۱ . مجازات توسط : خویشان ، دوستان ، همسایگان ، عابران ، نوجوانان ، پیران و ... اجراء میشود .

۵۶-۲. گروهی که آنآ و اتفاقاً جمع میشوند. گروهی که مطابق قرار قبلی گردهم می‌آیند. گروههایی که با عنوان دادگاه تشکیل میشوند.

۵۶-۳. حق دخالت اشخاص در تضمین اجراء یا مجازات نقض سنت. آیا فرد میتواند بعنوان عامل ضمانت اجراء وارد ماجرا شود و یا باید خواهان اقدام عمومی گردد؟

۵۷. ضمانت اجراء مبتنی بر ایمان و اعتقاد مذهبی

۵۷-۱. اعتقاد به کیفر دیدن در همین جهان: بیماری، فقر، حوادث غیر مترقبه از قبیل سیل، صاعقه و خشکسالی.

۵۷-۲. کیفرهایی که جنبه اعتقادی دارند و توسط افراد انسانی اعمال میشوند: لعن و نفرین یا حداقل اظهار تنفر و کناره‌جوئی بعنوان وظیفه مذهبی.

۵۷-۳. طرد گناهکار و منزوی ساختن وی و...

۵۸. ضمانت اجرای حقوقی (که در عین حال غیر رسمی‌اند)

۵۸-۱. توقیف، اخطار، توبیخ، مؤاخذه، سانسور.

۵۸-۲. مداخله برای جلوگیری از اعمال مخالف عرف و سنت: شرمنده ساختن با حرکات و ادا و اطوار خاص (ژستها) - مداخله نیروهای مسلح و یا غیر مسلح (غیررسمی).

۵۸-۳. کلاه کاغذی بر سر متخلف گذاشتن - واروسوارالاغ کردن متخلف و گرداندن در محل - نفی بلد کردن و...

۵۹. اجرای مجازات حقوقی پس از ارتکاب عمل توسط کی؟ چه وقت،

چگونه و تا چه حد در موارد زیر اجراء میشود.

۵۹-۱. مجازاتهای بدنی، مادی، رمزی

- ۲-۵۹. مجازاتهایی که با صراحت در اساسنامه گروه‌های حقوقی چون انجمن‌ها، اصناف، سندیکاها و حرفه‌ای و... آمده است.
- ۳-۵۹. اعلان کردن تخلف در اعلامیه و یا نصب اعلان در میدان ده و شهر و... .
- ۴-۵۹. گرفتن جریمه نقدی، الزام متخلف به پرداخت پول ناهار همه، شام آشتی کنان.
- ۵-۵۹. در لیست سیاه گذاشتن متخلف، قهر کردن با متخلف، و... .
- ۶-۵۹. مجازاتهای بدنی: کتک زدن، شلاق زدن، فلک کردن، سیلی زدن، بزک کردن متخلف.
- ۷-۵۹. مجازاتهای تزدیلی: بی‌آبرو کردن متخلف، اعدام مثالی متخلف، موارد و مراسم آن.

۶. مجازاتهای اخلاقی و یا تقبیح و سرزنش

- ۱-۶. افتضاح و رسوائی و درجات گوناگون آن، از اظهارتنفر تا داغ‌ننگ زدن، و تقبیح، بی‌اعتنائی کردن و بی‌اعتبار ساختن.
- ۲-۶. مذمت اخلاقی به منظور پیشگیری و یا صرفاً مجازات متخلف: افشاگری، محکوم ساختن آشکار، اعمال بی‌ادبانه، انگشت نما کردن، جواب سلام ندادن، بی‌احترامی با قصد و عمد، دعوت نکردن متخلف به جلسات و جشنها. روشهای روستائی و شهری.
- ۳-۶. ضمانت اجرای استهزائی و هجویه: کوچک ساختن، هو کردن، مسخره و استهزا، لبخند، نیش زدن، طعنه زدن و به‌گوشه و کنایه سخن گفتن، لودگی، متلک گفتن و خوشمزگی کردن به منظور مجازات متخلف.

۶۱. انگیزه‌های مسخرگی ، جرائمی که موجب میشوند ، مسخرگی به عنوان مجازات اعمال شود .

۶۱-۱. بی‌ادبی ، بی‌حیائی ، ناجور کارکردن ، جرزدن ، جرزدن با خشونت ، جرزدن بر اساس اشتباه ، متکلفانه و با لفظ قلم‌سخن گفتن ، عامیانه و مبتذل سخن گفتن ، درشت و زمخت سخن گفتن ، ناتراشیده‌گوئی آداب‌ناشناسی، رفتار و گفتار عجیب و غریب داشتن ، خل بازی .

۶۲. وسایل و عوامل مسخرگی : سرزنش‌کنندگان و مصلحان

۶۲-۱. ریشخند‌کننده و سرزنش‌کننده ، شوخی‌کن ، دلکک، بدگوئی‌کننده ، تصنیف‌ساز و آوازخوان .

۶۲-۲. حقوق‌مسخره‌کننده و حدود‌مسخرگی .

۶۲-۳. پایگاه اجتماعی مسخره‌کنندگان : زن یا مرد ؟ سن ؟

۶۲-۴. گروه‌های بدیهه‌گو و تهیه‌کننده شعار .

۶۲-۵. ازدحام‌ها و « انبوه‌های خلق » که به منظور سرزنش تشکیل میشود .

۶۲-۶. گروه‌های نظام یافته ، برپایه اساسنامه‌ها ، یا عرف - ترکیب آنها - چگونگی تشکیل و طرز عمل آنها .

۶۲-۷. « محکمه عامه مردم » طرز قضاوت .

۶۳. روابط عوامل عرفی (شماره ۶۲) با قدرت عمومی .

۶۳-۱. تقلید عرف از حقوق عمومی (دادگاه عامه مردم) .

۶۳-۲. تخفیف مجازات در عرف یا تشدید آن . (به نحوی که

بی‌آبروئی از فرزند به خانواده نیز تسری پیدا می‌کند) .

۳-۶۳ . آیا قدرت عمومی دولتی با تساهل و تسامح یا دخالت در کار
تظاهر ، با گروه عرفی همکاری می کند یا نه بعکس عمل می نماید ؟
۴-۶۳ . مقابله دو نظم حقوقی .
۵-۶۳ . آیا کوششهایی برای جلوگیری از اجرای حقوق عرفی به عمل
میآید .

۶۴ . طبقه بندی واحصاء هجوها ، ضرب المثل ها یا سرزنشها و تنبیه های
لفظی و یادداشت آنها

(غرولند ، هو کردن ، سوت کشیدن ، نکوهش تند ، نفرین ، طعنه زدن ،
دشنام دادن ، ناسزا گفتن با خشم و خشونت ، توبیخ کردن ، جواب تند
دادن ، موعظه کردن ، توهین آمیخته به ریشخند و مسخره ، نیش زدن ،
گوشه و کنایه زدن ، دست انداختن و قصه درست کردن ، مضمون گفتن ،
وصف کردن و لقب مسخره دادن ، بدگوئی کردن ، آواز و برگردان آواز
درست کردن .)

۱-۶۴ . طرق انتشار . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶۵ . نوشته ها و هجویه ها پرتال جامع علوم انسانی

۱-۶۵ . شبنامه ، اعلامیه .

۲-۶۵ . شکل ادبی هجویه ها .

۳-۶۵ . لطیفه ها و مطایبات (کتبی) .

۶۶ . استهزاء عملی

۱-۶۶ . ادا و اطوار ، با انگشت نشان دادن ، پشت کردن ، شکلک

درآوردن .

۲-۶۶ . با رمز مسخره کردن ، زبان گلها ، فرستادن اشیاء بدبو و . . .

- ۳-۶۶. دواندن ، سوار الاغ کردن ، باپر و ... آرایش کردن
متخلف .
- ۴-۶۶. اعمال شدید: اذیت و آزار ، با لنگه کفش زدن ، صدمه
رساندن .

والسلام

ح.ح

